

## حق انتخاب حسابرس و اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر

افشین احمدی لویه

دانشجوی دکتری تخصصی حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

هاشم نیکومرام

استاد تمام و عضو هیات علمی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

بهمن بنی مهد

دانشیار و عضو هیات علمی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۱

### چکیده

تعیین عوامل موثر بر میزان اجتناب مالیاتی شرکتها حائز اهمیت است؛ زیرا موجب بهبود شناسایی و وصول درآمد مالیاتی دولت می شود. در پژوهش حاضر برای نخستین بار به تعیین میزان تاثیر حق انتخاب حسابرس بر اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر پرداخته شده است. یافته های حاصل از بررسی های تجربی انجام شده با استفاده از رگرسیون OLS بر روی نمونه ای متشکل از ۱۷۳ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۶ (۱۷۳۰ سال - شرکت) نشان می دهد که اجتناب مالیاتی شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس بطور معناداری بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس می باشد. بطور کلی نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر نشان می دهد که شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس در انتخاب حسابرس خود به منافع خود از جمله اجتناب مالیاتی توجه می کنند و حسابرسان نیز به دلیل اینکه با مسئله انتخاب مجدد در حسابرسی های بعدی همراه هستند، کوشش می کنند تا از طریق همکاری با این شرکتها در زمینه اجتناب مالیاتی رضایت آنها را جلب نمایند و در نهایت این جریان موجب می شود تا اجتناب مالیاتی برای شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس بیشتر از شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس باشد.

**واژه های کلیدی:** نظریه انتخاب، مالیات، اجتناب مالیاتی، حق انتخاب حسابرس.

## ۱- مقدمه

اجتناب مالیاتی، بعنوان تلاش در راستای کاهش مالیات پرداختی تعریف می شود. که اغلب در چارچوب قوانین مالیاتی و با استفاده از خلاقیت‌های قانونی صورت می گیرد (اگراوال، ۲۰۰۷؛ دایرنگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). یافته‌های بدست آمده از پژوهش‌های قبلی، نشان می دهند که ویژگی‌های حسابرسی مستقل، و ابعاد مختلف حسابرسی صورتهای مالی، مانند تخصص مالیاتی حسابرسی مستقل، دوره تصدی حسابرسی مستقل، کیفیت حسابرسی صورتهای مالی و نوع اظهار نظر حسابرسی، می توانند اجتناب مالیاتی شرکتهای صاحبکار را تحت تاثیر قرار دهند (کوک و همکاران، ۲۰۱۰؛ گلیسون و میلز، ۲۰۱۱؛ گوایر و همکاران، ۲۰۱۲؛ هویمان و نوگا، ۲۰۱۲؛ خانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ خواجوی و کیامهر، ۱۳۹۴). با این وجود مطالعات قبلی به نقش حق/انتخاب حسابرسی در زمینه اجتناب مالیاتی توجهی نکرده اند. از این رو در پژوهش حاضر کوشش شده است تا نقش حق انتخاب حسابرسی، در اجتناب مالیاتی، به لحاظ تجربی مورد بررسی قرار گیرد.

شواهد تجربی قبلی نشان می دهد که اجتناب مالیاتی، یکی از راهکارهای بسیار مهم در راستای تامین منافع مدیران و سهامداران محسوب می گردد و مدیران به منظور افزایش منافع خود، به اجتناب مالیاتی گرایش دارند. این شواهد همچنین نشان می دهند که مدیران همواره کوشش می نمایند تا در زمینه اجتناب مالیاتی از حسابرسان خود خدمات مشاوره ای دریافت نمایند. از سوی دیگر حسابرسان نیز تمایل دارند تا چنین خدماتی را به مدیران ارائه نمایند و بدین ترتیب رضایت آنها را در راستای افزایش دوره تصدی خود، جلب کنند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۰؛ کنی و همکاران، ۲۰۰۴). این شواهد نشان می دهند که ارائه خدمات مالیاتی از جانب حسابرسی به صاحبکار، ناشی از تمایل و تقاضای مدیریت و تلاش حسابرسی به منظور افزایش دوره تصدی خود می باشد. بدیهی است که نگرانی حسابرسی در خصوص انتخاب مجدد توسط صاحبکار، در شرایطی وجود دارد که مدیریت صاحبکار از حق انتخاب حسابرسی برخوردار باشد. بنابراین حق انتخاب حسابرسی به لحاظ نظری، علت نگرانی حسابرسی از بابت انتخاب مجدد و علت همکاری حسابرسی با مدیریت صاحبکار در زمینه اجتناب مالیاتی محسوب می گردد. از میان شرکتهای ایرانی که ملزم به حسابرسی صورتهای مالی هستند، برخی شرکتهای از حق انتخاب حسابرسی برخوردار می باشند (شرکتهای ROACH)، و برخی دیگر فاقد حق انتخاب حسابرسی هستند، و

حسابرسی آنها به موجب قانون تعیین می گردد (شرکتهای UN-ROACH). از این رو حسابرسان شرکتهای ROACH با نگرانی‌های ناشی از انتخاب مجدد در حسابرسی‌های بعدی مواجه هستند. استدلال ما این است که مدیران شرکتهای ROACH، در راستای انتخاب حسابرسی، دریافت خدمات مالیاتی را بعنوان یک معیار انتخاب، به منظور افزایش منافع شخصی خود مد نظر قرار می دهند و در نهایت موسسه ای را بعنوان حسابرسی انتخاب می نمایند که حاضر است در کنار خدمات گواهی صورتهای مالی، خدماتی را نیز در زمینه امور مالیاتی به آنها ارائه نماید. از سوی دیگر با توجه به اینکه حسابرسان شرکتهای ROACH با نگرانی‌های ناشی از انتخاب مجدد مواجه هستند، کوشش می کنند تا خدمات مالیاتی مورد نظر مدیریت را به وی ارائه کنند و بدین ترتیب در زمینه اجتناب مالیاتی با آنها همکاری نمایند. به طور خلاصه استدلال ما این است که حسابرسان شرکتهای ROACH موجب ترویج اجتناب مالیاتی در این شرکتهای می شوند. استدلال فوق، در خصوص شرکتهای UN-ROACH نمی تواند مطرح شود. زیرا این شرکتهای از حق انتخاب حسابرسی برخوردار نیستند و حسابرسی آنها به موجب قانون تعیین می گردد. از این رو حسابرسان شرکتهای گروه UN-ROACH با نگرانی‌های مبتنی بر مسئله انتخاب مجدد همراه نیستند و از این بابت خدمات مالیاتی به مدیریت شرکتهای صاحبکار خود ارائه نمی کنند. به طور ویژه استدلال پژوهش حاضر این است که شرکتهای ROACH، به دلیل داشتن حق انتخاب حسابرسی، نسبت به شرکتهای UN-ROACH از اجتناب مالیاتی بیشتری برخوردار هستند. با توجه به استدلال فوق پرسش پژوهش حاضر این است که آیا داشتن حق انتخاب حسابرسی موجب ترویج اجتناب مالیاتی شرکتهای صاحبکار می شود یا خیر.

مالیات یکی از منابع اصلی درآمد دولتها در سراسر دنیا از جمله ایران است، و اجتناب مالیاتی موجب کاهش درآمد مالیاتی و کمبود منابع مالی دولت می شود. بنابراین شناسایی عواملی که موجب ترویج اجتناب مالیاتی می شوند، حائز اهمیت می باشد و می تواند به سازمان امور مالیاتی کشور در زمینه برنامه ریزی به منظور کاهش اجتناب مالیاتی مودیان کمک کند. بدیهی است که بی توجهی نسبت به نقش حق انتخاب حسابرسی در ترویج اجتناب مالیاتی، موجب می شود تا تاثیر حق انتخاب حسابرسی بر اجتناب مالیاتی ناشناخته بماند، که این موضوع موجب استفاده از خلاقیت‌های موجود در قوانین مالیاتی و ترویج اجتناب مالیاتی و کاهش درآمد مالیاتی دولت از جانب شرکتهای گروه ROACH می گردد. بنابراین به منظور

کنترل قرار گیرند. همچنین مسئله درون زایی متغیر مستقل با استفاده از روش دو مرحله ای هکمن و رویکرد PSM مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش حاضر، مطالعات قبلی انجام شده در قلمرو اجتناب مالیاتی را توسعه می دهد. زیرا در پژوهش حاضر برای نخستین بار به بررسی تجربی نقش حق انتخاب حسابرس در اجتناب مالیاتی صاحبکار پرداخته شده است. به همین دلیل پژوهش حاضر شواهد جدیدی را به منظور شناخت شرکتهایی که میل بیشتری به اجتناب مالیاتی دارند، برای سازمان امور مالیاتی کشور فراهم می کند. یافته های پژوهش حاضر دارای کاربردهای مهمی در زمینه **قانون گذاری** نیز می باشد. یافته های پژوهش حاضر، حاکی از آن است که بین اجتناب مالیاتی شرکتهای گروه ROACH و شرکتهای گروه UN- ROACH، تفاوت آشکاری وجود دارد، که این تفاوت ناشی از حق انتخاب حسابرس می باشد. ما به این نتیجه رسیدیم که داشتن حق انتخاب حسابرس موجب ترویج اجتناب مالیاتی در کشور می شود. بنابراین یافته های پژوهش حاضر می تواند به سازمان امور مالیاتی کشور در حوزه قانون گذاری، به منظور مقابله با اجتناب مالیاتی شرکتهای گروه ROACH، کمک کند. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که گزارشات مالیاتی تهیه شده توسط حسابرسان شرکتهای ROACH برای سازمان امور مالیاتی کشور، از قابلیت اتکای چندانی برخوردار نیست. بطور ویژه یافته های پژوهش حاضر به سازمان امور مالیاتی کشور هشدار می دهد که برنامه جامعی را به منظور رسیدگی به حسابهای مالیاتی شرکتهای ROACH تدوین نماید و بدین ترتیب از اجتناب مالیاتی و عدم تحقق درآمد مالیاتی دولت پیشگیری کند. هرچند که تدوین قوانین در این حوزه، نیازمند کسب شواهد تجربی بیشتری می باشد. در نهایت یافته های پژوهش حاضر با یافته های بدست آمده از مطالعات قبلی مبنی بر تاثیر ویژگی های مختلف قرار داد حسابرسی بر اجتناب مالیاتی شرکتهای صاحبکار انطباق دارد، با این تفاوت که در این پژوهش با تاکید بر نظریه انتخاب گلاسر برای نخستین بار به نقش حق انتخاب حسابرس در ترویج اجتناب مالیاتی، توجه شده است.

در ادامه پژوهش حاضر، در قسمت ۲ به مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته شده است. در قسمت ۳ به تدوین فرضیه پژوهش پرداخته شده است. در قسمت ۴ به روش پژوهش (داده ها، نمونه، تعریف متغیرها و مدل پژوهش) پرداخته شده است. در قسمت ۵ به ارائه یافته های پژوهش پرداخته شده است. در قسمت ۶ یافته های حاصل از آزمون های اضافی به منظور بررسی حساسیت یافته ها و محدود

کاهش این قبیل مشکلات، **ضرورت** دارد تا نقش حق انتخاب حسابرس در اجتناب مالیاتی شرکتهای شناسایی شده و پیشنهادهای لازم در زمینه برنامه ریزی به منظور مقابله با اجتناب مالیاتی شرکتهای ROACH ارائه گردد.

پرسش پژوهش حاضر با **نظریه انتخاب گلاسر** مرتبط می باشد. نظریه انتخاب گلاسر بیان می کند که انسان ها بر اساس منافع شخصی، انتخاب های خود را انجام می دهند. گلاسر معتقد است مدیران ذاتا مالیات گریز هستند و در قرن جدید دارای ژن هایی طمع کار می باشند (گلاسر، ۱۹۹۸). با توجه به دیدگاه فوق، می توان مدیریت صاحبکار را نیز بعنوان فردی در نظر گرفت که به دنبال افزایش منافع شخصی خود می باشد و در راستای انتخاب حسابرس، به منافع شخصی خود توجه می نماید، که یکی از این منافع دریافت خدمات مالیاتی از حسابرس است. بنابراین بر اساس نظریه انتخاب گلاسر مدیریت صاحبکار حسابرس را بصورت تصادفی انتخاب نمی کند، بلکه انتخاب حسابرس با توجه به منافع شخصی خود انجام می دهد. استدلال فوق که بر اساس نظریه انتخاب ارائه شده است، توسط شواهد تجربی نیز پشتیبانی می شود. به عنوان نمونه تیتمن و ترومن (۱۹۸۶)، بیان می کنند که مدیران میل به تایید شدن دارند و تمایل دارند تا حسابرسان بدون ارائه نظرات اصلاحی صورتهای مالی آنها را مورد تایید قرار دهند. از طرف دیگر بر اساس چارچوب دیدگاه اثباتی در حسابداری، مدیریت فردی فرصت طلب تلقی می شود که به دنبال حداکثر نمودن منافع شخصی خود می باشد (اسکات، ۲۰۰۸). بنابراین مطابق با نظریه انتخاب گلاسر، و شواهد تجربی قبلی، چنین استدلال می شود که مدیران شرکتهای ROACH، در انتخاب حسابرس به منافع شخصی خود از جمله دریافت خدمات از حسابرس در زمینه اجتناب مالیاتی توجه می نمایند، و از آنجاکه حسابرسان شرکتهای ROACH، با نگرانی های مربوط به انتخاب مجدد همراه هستند، خدمات مالیاتی مورد تقاضای مدیران را به آنها ارائه می کنند. بنابراین استدلال ویژه ای که می توان بر اساس نظریه انتخاب ارائه نمود این است که حق انتخاب حسابرس موجب ترویج اجتناب مالیاتی می شود.

به لحاظ تجربی بررسی تاثیر حق انتخاب حسابرس بر اجتناب مالیاتی با مشکلاتی همراه است که اگر نسبت به این مشکلات بی توجه باشیم، **تفسیرهای جایگزین (رقیب)** یافته های پژوهش را مورد چالش قرار می دهند. به منظور مقابله با مشکلات ناشی از تفسیرهای جایگزین در پژوهش حاضر کوشش شده است تا تمام عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی مورد

کردن تفسیرهای جایگزین ارائه شده است و نهایتاً در قسمت ۷ به بحث و نتیجه گیری پرداخته شده است.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۱-۲- حق انتخاب حسابرس و سابقه آن در ایران

بازار حسابرسی ایران در ارتباط با شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران (TSE)، یک بازار تحت نظارت بوده است. زیرا یکی از شروط اساسی پذیرش شرکتهای TSE، حسابرسی سالانه صورتهای مالی این شرکتهای می باشد، که این موضوع موجب شده است استفاده از خدمات حسابرسی برای شرکتهای فعال در TSE، اجباری باشد. با این وجود، بازار حسابرسی ایران در ارتباط با شرکتهای فعال در TSE، دو دوره زمانی خاص را تجربه کرده است. دوره اول، دوره قبل از خصوصی سازی، یا دوره انحصار کامل دولتی (قبل از سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) بوده است، و دوره دوم، دوره بعد از خصوصی سازی (بعد از سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی) (محمدرضایی و مهدصالح، ۲۰۱۵).

دوره بعد از خصوصی سازی برای بازار حسابرسی ایران، دوره ای بوده است که در راستای اجرای سیاست خصوصی سازی، بازار حسابرسی برای برخی از شرکتهای فعال در TSE از انحصار سازمان حسابرسی خارج گردید. در این دوره شرکتهای فعال در TSE به سه دسته تقسیم شدند، (۱) شرکتهای دولتی (۲) شرکتهای سیاسی و (۳) شرکتهای غیر سیاسی و غیر دولتی. در این دوره حسابرسی شرکتهای گروه اول همچنان بصورت انحصاری بر عهده سازمان حسابرسی بوده است. حسابرسی شرکتهای گروه دوم از انحصار سازمان حسابرسی خارج شد اما تحت انحصار یک موسسه حسابرسی دیگر به نام موسسه حسابرسی مفید راهبر درآمد. حسابرسی شرکتهای گروه سوم (شرکتهای غیر دولتی و غیر سیاسی) در این دوره از انحصار سازمان حسابرسی خارج گردید اما مانند شرکتهای گروه دوم به حسابرسی خاصی واگذار نگردید و بدین ترتیب این شرکتهای مجاز به انتخاب حسابرسی شدند. بنابراین به لحاظ تاریخی، موضوع حق انتخاب حسابرسی، به دوره بعد از خصوصی سازی بازار حسابرسی ایران (سال ۱۳۸۰ هجری خورشیدی به بعد) و به شرکتهای گروه سوم (شرکتهای غیر دولتی و غیر سیاسی) مربوط می شود.

### ۲-۲- اجتناب مالیاتی در ایران

مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی یا اجرای سیاست های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب

قوانین و توسط اهرمهای اداری و اجرایی دولت وصول می شود. اجتناب مالیاتی معرف عدم تمایل یک شرکت در پرداخت مالیات است. اجتناب مالیاتی نشان دهنده وجود ضعف در قوانین مالیاتی و استفاده از این ضعف در عدم پرداخت مالیات توسط مودیان می باشد. اما فرار مالیاتی نشان دهنده ضعف قانون نیست بلکه نشان دهنده عدم پرداخت مالیات و عدم تبعیت مودیان مالیاتی از قوانین مالیاتی است (مهرانی، ۱۳۹۲). شواهد حاصل از پژوهشهای انجام شده در حوزه اجتناب مالیاتی نشان می دهد که تمایل شرکتهای ایرانی به اجتناب از پرداخت مالیات در سطح بالایی قرار دارد که این موضوع موجب درآمد مالیاتی دولت می گردد (بکشلو، ۱۳۹۷).

### ۲-۳- ارتباط نظری میان حق انتخاب حسابرس و اجتناب مالیاتی

ویلیام گلاسر (۱۹۹۸)، در کتاب مشهور خود تحت عنوان نظریه انتخاب، بیان می کند که افراد انتخاب های خود را بر اساس نیازها و منافع شخصی انجام می دهند که این نیازها و منافع، از انگیزه های درونی ریشه می گیرند. گلاسر معتقد است که انسان ها دارای ۵ نیاز اساسی می باشند که عبارتند از: (۱) نیاز به بقاء (۲) احساس تعلق (۳) نیاز به قدرت (۴) نیاز به آزادی و خود مختاری و (۵) نیاز به تفریح. دیدگاه گلاسر با بسیاری از دیدگاه های مطرح شده در نظریه های حسابداری سازگار می باشد. بعنوان نمونه بر اساس فرضیه پاداش از نظریه های اثباتی حسابداری، مدیریت فردی فرصت طلب تلقی می شود که اهداف و منافع شخصی خود را تعقیب می کند که این اهداف می توانند مادی (مانند دریافت پاداش بیشتر) و یا غیر مادی (کارگریز بودن و تمایل به داشتن اختیارات تام و دفتر کار مناسب) باشد (اسکات، ۲۰۰۸). بنابراین بر اساس نظریه انتخاب گلاسر ما استدلال می کنیم که مدیریت شرکت کوشش می کند تا انتخاب حسابرسی را به گونه ای انجام دهد که رفتارهای فرصت طلبانه وی محدود نشود. در مقابل حسابرسی منتخب به منظور دستیابی به انتخاب مجدد و افزایش دوره تصدی خود کوشش می کند تا رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت صاحبکار را محدود نکند و در زمینه اصلاح صورتهای مالی (مانند اجتناب مالیاتی) درخواستی را ارائه نکند. بنابراین به لحاظ نظری می توان ارتباط میان حق انتخاب حسابرسی و میزان اجتناب مالیاتی را مستقیم در نظر گرفت اما پذیرش این ارتباط برنامه ریزی بر حسب آن نیازمند انجام آزمون های تجربی در این حوزه می باشد.

## ۲-۴- پیشینه پژوهش

### ۲-۴-۱- پیشینه پژوهشهای داخلی

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹)، در تحقیقی به بررسی رابطه میان حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر اختلاف میان سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی تأثیری ندارد. پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲)، در تحقیقی به شناسایی عوامل موثر بر مدیریت مالیاتی پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که بین ویژگی های خاص شرکت، اندازه شرکت و نرخ موثر مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین نسبت بدهی، شدت سرمایه گذاری در موجودی ها، شدت سرمایه گذاری در داراییهای ثابت با نرخ موثر مالیاتی رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد. اما بین فرصت های رشد و عمر شرکت با نرخ موثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. پورحیدری و امینی نیا (۱۳۹۳)، در تحقیقی به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه بدهی شرکتها پرداخت و به این نتیجه رسید که اجتناب از پرداخت مالیات موجب کاهش هزینه بدهی شرکتها می گردد و مالکیت نهادی بر رابطه میان اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی شرکت تأثیر گذار نیست. پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه سهام عادی را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که اجتناب از پرداخت مالیات موجب کاهش هزینه سرمایه سهام عادی می شود. زیرا شرکتها با اجتناب از پرداخت مالیات جریانهای نقدی آتی خود را افزایش می دهند و در نتیجه این فرایند هزینه سرمایه سهام عادی برای شرکتها کاهش می یابد. مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴)، در تحقیقی به بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه میان اجتناب از مالیات شرکت و ارزش شرکت پرداختند و به این نتیجه رسیدند که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تأثیر مثبت فعالیتهاى اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می شود. خدای پور و بزرایی (۱۳۹۴)، در تحقیقی به بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول و اجتناب از پرداخت مالیات توسط شرکتهاى پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین برخی از شاخصهای رقابت بازار محصول (نظیر شاخص هزینه ورود) با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه ای منفی و معنادار وجود دارد اما بین برخی از شاخصهای رقابت مانند شاخص هرفیندال هیرشمن با اجتناب مالیاتی شرکتها رابطه معناداری وجود ندارد. ساسانی و سیدی (۱۳۹۴)، در تحقیقی به بررسی رابطه میان اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین اجتناب مالیاتی و محافظه کاری حسابداری رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد. رضایی راد و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیق خود به بررسی تأثیر ترکیب اعضای هیات مدیره بر ارتباط میان ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی در شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هیچ یک از ساختارهای مالکیت بدون در نظر گرفتن نحوه ترکیب اعضای هیات مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیری ندارند. بکشلو و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیق خود به بررسی تأثیر مراحل مختلف چرخه عمر شرکت بر اجتناب مالیاتی در شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکتهای فعال در بازار سرمایه، در مرحله افول از چرخه عمر خود تمایل بیشتری به اجتناب مالیاتی دارند.

### ۲-۴-۲- پیشینه پژوهشهای خارجی

دسای و دارماپالا (۲۰۰۹)، در تحقیقی به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر منافع سهامداران با تأکید بر نقش تعدیل گر راهبری شرکتی در ارتباط با شرکتهای آمریکایی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در میان شرکتهای دارای نظام راهبری قوی، اجتناب مالیاتی موجب افزایش ارزش شرکت می شود اما در میان شرکتهایی که از نظام راهبری قدرتمندی برخوردار نیستند، اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری بر ارزش شرکت ندارد. وانگ (۲۰۱۰)، در تحقیقی به بررسی اثر اجتناب از پرداخت مالیات بر منافع سهامداران پرداخت. وی چنین استنباط نمود که اجتناب از پرداخت مالیات موجب کاهش انتقال ثروت از شرکت به دولت می شود و بدین ترتیب منافع سهامداران افزایش می یابد. نتایج این تحقیق نیز به لحاظ تجربی از چنین دیدگاهی پشتیبانی نمود. چن و همکاران (۲۰۱۰)، در تحقیقی به بررسی مقایسه ای سطح اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای خانوادگی و غیرخانوادگی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکتهای خانوادگی نسبت به شرکتهای غیرخانوادگی در پرداخت مالیات کمتر اجتناب می کنند. در این تحقیق منظور از شرکتهای خانوادگی شرکتهایی بوده است که حداقل یکی از اعضای خانواده موسس شرکت در مقام مدیریت ارشد، عضو هیات مدیره یا سهامداران عمده یا بلوکی قرار گرفته باشد. کرانا و موسر (۲۰۱۰)، در تحقیقی به بررسی رابطه میان مالکیت نهادی و اجتناب از پرداخت مالیات پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شرکتهای دارای درصد قابل توجه سهامداران نهادی نسبت به سایر شرکتها در پرداخت مالیات بیشتر اجتناب می کنند و به همین دلیل می

نظری میان حق انتخاب حسابرِس و اجتناب مالیاتی فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین می گردد:

**H:** بر اساس چارچوب نظری مبتنی بر نظریه انتخاب گلاسر و با فرض وجود مسئله انتخاب مجدد، اجتناب مالیاتی برای شرکتهای ROACH، بیشتر از شرکتهای UN-ROARCH می باشد.

#### ۴- روش پژوهش

##### ۴-۱- داده ها و نمونه پژوهش

به منظور تعیین جامعه آماری در پژوهش حاضر از روش هدفمند (غربالگری و حذف سیستماتیک) استفاده شده است که در مجموع تعداد ۱۷۳ شرکت فعال در TSE بعنوان جامعه آماری در پژوهش حاضر انتخاب شدند. به منظور بهبود کیفیت تحلیل های اقتصادسنجی از تمام این شرکتهای بعنوان نمونه پژوهش استفاده شده است. به منظور گردآوری داده ها در راستای اندازه گیری متغیرهای پژوهش، مجموعه صورتهای مالی شرکتهای منتخب (۱۷۳ شرکت در طی ۱۰ سال) از پایگاه اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران (SEO) و سامانه کدال (Codal) استخراج شده است. از میان ۱۷۳۰ مشاهده (سال-شرکت)، ۱۲۹۰ سال-شرکت، متعلق به شرکتهای ROACH، و ۴۴۰ سال-شرکت، متعلق به شرکتهای UN-ROARCH می باشد. جدول ۱ فرایند تعیین نمونه و تعداد مشاهدات را در ارتباط با متغیرهای پژوهش و به تفکیک شرکتهای ROACH و UN-ROARCH نشان می دهد.

توان چنین ادعا نمود که هر سطح مالکیت نهادی بالاتر باشد، اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر است. کیم و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیقی به بررسی رابطه میان اجتناب از پرداخت مالیات و ریسک سقوط سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اجتناب از پرداخت مالیات موجب می شود تا مدیران اطلاعات و اخبار بد را پنهان و انباشته نمایند که این فرایند به ایجاد حباب در ارتباط با قیمت سهام می انجامد و در نهایت این حباب از بین رفته و قیمت سهام سقوط می کند. از این رو اجتناب از پرداخت مالیات موجب افزایش سقوط قیمت سهام می شود. آنور و همکاران (۲۰۱۵)، در تحقیق خود به بررسی رابطه میان ساختار مالکیت و اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای فعال در بازار سرمایه مالزی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین نوع مالکیت شرکتهای و اجتناب آنها در پرداخت مالیات رابطه معناداری وجود دارد. همچنین سازوکارهای حاکمیت شرکتی موجب کاهش این رابطه می شود. دونالد و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهش خود به بررسی تاثیر تجربه مالی اعضای کمیته حسابرسی بر میزان اجتناب مالیاتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هرچه میزان تجربه مالی و حسابداری اعضای کمیته حسابرسی شرکت بالاتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی شرکت نیز بالاتر می باشد.

#### ۳- تدوین فرضیه پژوهش

با توجه به استدلال ویژه پژوهش حاضر که بر اساس نظریه انتخاب گلاسر ارائه شده است، و همچنین با توجه به ارتباط

#### جدول ۱\_ نمونه گیری برای انجام آزمون های تجربی

پنل A: تعیین تعداد نمونه و مشاهدات پژوهش (دوره پژوهش ۱۳۸۷-۱۳۹۶)

Full		فرایند محاسبه تعداد نمونه و مشاهدات :
۴۸۸		● تعداد شرکتهای پذیرفته شده در TSE تا پایان سال ۱۳۹۶
	۱۷۸	شرکتهایی که در بازه زمانی پژوهش بطور مستمر در TSE حضور ندارند
	۳۴	(+) شرکتهایی که در خلال دوره پژوهش در TSE پذیرفته شده اند
	۵۲	(+) شرکتهایی که دوره مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند نیست و یا در طول دوره پژوهش دوره مالی آنها تغییر کرده است.
	۵۰	(+) شرکتهایی که فعالیت آنها در حوزه لیزینگ و واسطه گری مالی و بانکداری و بیمه است
	۱	(+) شرکتهایی که از داده های پایه به منظور اندازه گیری متغیرهای پژوهش حاضر برخوردار نیستند
(۳۱۵)	۳۱۵	● (-) مجموع شرکتهایی که حذف شده اند
	۱۷۳	= مجموع شرکتهایی که بعنوان جامعه آماری و نمونه در پژوهش حاضر انتخاب شده اند
	۱۷۳۰	= تعداد مشاهدات (سال-شرکت) به منظور استفاده در تحلیل نهایی (۱۷۳ شرکت*۱۰ سال)

ادامه جدول ۱\_ نمونه گیری برای انجام آزمون های تجربی

پنل B: تفکیک مشاهدات (سال-شرکت) برای شرکتهای Roach و Unroach در دوره پژوهش

year	Full	Roach	Unroach
۱۳۸۷	173	122	51
۱۳۸۸	173	126	47
۱۳۸۹	173	129	44
۱۳۹۰	173	134	39
۱۳۹۱	173	132	41
۱۳۹۲	173	133	40
۱۳۹۳	173	129	44
۱۳۹۴	173	128	45
۱۳۹۵	173	129	44
۱۳۹۶	173	128	45
<b>Obs</b>	1730	1290	440
<b>%Obs</b>	1	0,75	0,25

باشد. در مدل فوق  $\beta_1, \beta_2, \dots, \beta_{24}, a$  پارامترهایی هستند که هدف ما برآورد آنها می باشد.  $a$  معرف عرض از مبدا (مقدار ثابت) معادله  $\beta_1, \beta_2, \dots, \beta_{24}$  معرف ضرایب متغیرهای توضیحی مدل و  $a$  معرف باقیمانده معادله می باشد. از میان پارامترهای فوق  $\beta_1$  از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و چنانچه پس از برآورد مدل، این پارامتر مثبت و معنادار باشد شواهدی در راستای تایید فرضیه پژوهش بدست خواهد آمد. جدول ۳ نشان دهنده تعریف متغیرهای معادله ۲ (مدل اصلی پژوهش) است.

۲-۴- مدل تجربی پژوهش و تعریف متغیرها

به منظور آزمون فرضیه پژوهش ابتدا به پیروی از عزیز خانی و مونرو (۲۰۱۳)، مدل اولیه پژوهش (معادله ۱)، که نشان دهنده ارتباط میان متغیرهای پژوهش است، را مد نظر قرار داده و سپس به پیروی از ریگو (۲۰۰۳)، چن و همکاران (۲۰۱۰)، فرانک و همکاران (۲۰۰۹)، خانی و همکاران (۱۳۹۲)، خواجهوی و کیامهر (۱۳۹۴)، مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) را تدوین نموده ایم. معادله (۲) نشان دهنده مدل رگرسیون خطی با رویکرد حداقل مربعات معمولی (OLS) می

معادله (۱)

$$TAV = f(\text{Roach, Size, Invrec, CASH, Liq, Capint, Intang, LEV, MTB, Ope, OI, ROA, SG, Loss, Taxser, Sptax, Board, Inst-Own, Pol-Own, Gov-Own, Audit, DA, AudP, Audch, Dely, Age, Sub, Auo, Mfd})$$

معادله (۲)

$$TAV_{i,t} = a + \beta_1 Roach_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Invrec_{i,t} + \beta_4 CASH_{i,t} + \beta_5 Liq_{i,t} + \beta_6 Capint_{i,t} + \beta_7 Intang_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 MTB_{i,t} + \beta_{10} Ope_{i,t} + \beta_{11} OI_{i,t} + \beta_{12} ROA_{i,t} + \beta_{13} SG_{i,t} + \beta_{14} Loss_{i,t} + \beta_{15} Taxser_{i,t} + \beta_{16} Sptax_{i,t} + \beta_{17} Board_{i,t} + \beta_{18} Inst-Own_{i,t} + \beta_{19} Pol-Own_{i,t} + \beta_{20} Gov-Own_{i,t} + \beta_{21} Audit_{i,t} + \beta_{22} DA_{i,t} + \beta_{23} AudP_{i,t} + \beta_{24} Audch_{i,t} + \beta_{25} Dely_{i,t} + \beta_{26} Age_{i,t} + \beta_{27} Sub_{i,t} + \beta_{28} Auo_{i,t} + \beta_{29} Mfd_{i,t} + \sum IndustryDum + \sum YearDum + f$$

جدول ۳: تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف
متغیر وابسته:	
TAV <sub>i,t</sub>	عبارت است از اجتناب مالیاتی که بر اساس ۵ معیار شامل: نرخ موثر مالیات جاری (CU-ETR)، نرخ موثر مالیات نقدی (CA-ETR)، نسبت مالیات پرداختی به جریان نقد عملیاتی (TPCF)، تفاوت دفتری مالیات (BTD)، نسبت هزینه مالیات بر جریان نقد عملیاتی (TOCF)، اندازه گیری می شود.

متغیر	تعریف
<b>متغیر آزمون:</b>	
ROACH <sub>i,t</sub>	عبارت است از حق انتخاب حسابرس (چنانچه شرکت i در سال t از حق انتخاب حسابرس برخوردار باشد برابر با یک و غیراینصورت برابر با صفر است).
<b>متغیرهای کنترلی:</b>	
SIZE <sub>i,t</sub>	عبارت است از اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل داراییهای شرکت).
Invrec <sub>i,t</sub>	عبارت است از حاصل جمع موجودیها و حسابهای دریافتی تقسیم بر کل داراییها.
CASH <sub>i,t</sub>	عبارت است از مانده وجه نقد در پایان سال تقسیم بر جمع داراییهای شرکت در پایان سال مالی.
Liq <sub>i,t</sub>	عبارت است از نسبت جاری (داراییهای جاری تقسیم بر بدهی جاری)
Capint <sub>i,t</sub>	عبارت است از جمع داراییهای ثابت تقسیم بر کل داراییها در پایان سال مالی.
Intang <sub>i,t</sub>	عبارت است از جمع داراییهای نامشهود تقسیم بر کل داراییها در پایان سال مالی.
LEV <sub>i,t</sub>	عبارت است از نسبت بدهی (کل بدهی تقسیم بر کل داراییها)
MTB <sub>i,t</sub>	عبارت است از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام .
Ope <sub>i,t</sub>	عبارت است از نسبت هزینه های عملیاتی به ارزش دفتری کل داراییها در پایان سال مالی.
OI <sub>i,t</sub>	عبارت است از نسبت سود(زیان)عملیاتی به فروش شرکت در پایان سال مالی.
ROA <sub>i,t</sub>	عبارت است از نرخ بازده دارایی (سود عملیاتی تقسیم بر ارزش دفتری کل داراییها)
SG <sub>i,t</sub>	عبارت است از نرخ رشد فروش (تفاوت فروش دوره جاری و دوره قبل تقسیم بر فروش جاری)
Loss <sub>i,t</sub>	عبارت است از متغیر مصنوعی زیان دهی (چنانچه شرکت در سال t زیان گزارش نموده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است)
Taxser <sub>i,t</sub>	عبارت است از دریافت خدمات مالیاتی از حسابرس (چنانچه صاحبکار خدمات حسابرسی مالیاتی را از حسابرس مستقل خود دریافت کرده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر می باشد)
Sptax <sub>i,t</sub>	عبارت است از تخصص مالیاتی حسابرس (چنانچه حسابرس متخصص امور مالیاتی باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر می باشد)
Board <sub>i,t</sub>	عبارت است از اندازه هیات مدیره (نسبت تعداد اعضای غیر موظف به تعداد کل اعضای هیات مدیره).
Inst-Own <sub>i,t</sub>	عبارت است از مالکیت نهادی (تعداد سهام تحت تملک مالکان نهادی تقسیم بر کل تعداد سهام شرکت).
Pol-Own <sub>i,t</sub>	عبارت است از مالکیت سیاسی (تعداد سهام تحت تملک نهادهای دولتی تقسیم بر کل تعداد سهام شرکت).
Gov-Own <sub>i,t</sub>	عبارت است از مالکیت دولتی (تعداد سهام تحت تملک نهادهای سیاسی تقسیم بر کل تعداد سهام شرکت).
Audit <sub>i,t</sub>	عبارت است از متغیر مصنوعی کیفیت حسابرس (اگر حسابرس شرکت از حسابرسان معتمد تراز اول سازمان بورس باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است)
DA <sub>i,t</sub>	عبارت است از اقلام تعهدی اختیاری که بر اساس مدل کوتاری (۲۰۰۵) عملیاتی می شود و به منظور کنترل اثرات کیفیت حسابرسی مورد استفاده قرار می گیرد.
AudP <sub>i,t</sub>	عبارت است از دوره تصدی حسابرس (تعداد سالهای همکاری حسابرس با شرکت در زمینه خدمات گواهی)
Audch <sub>i,t</sub>	عبارت است از متغیر مصنوعی تغییر حسابرس (چنانچه حسابرس شرکت نسبت به سال قبل تغییر کرده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر است)
Delay <sub>i,t</sub>	عبارت است از تاریخ وقفه (تعداد روزهای مابین صدور اظهار نظر حسابرس و تاریخ انتشار صورتهای مالی)
Age <sub>i,t</sub>	عبارت است از سن شرکت (تعداد سالهای فعالیت شرکت)
Sub <sub>i,t</sub>	عبارت است از واحد فرعی بودن که به منظور کنترل اثرات مفهوم کنترل در مدل پژوهش تصریح شده است (چنانچه صاحبکار واحد فرعی باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود)
Auo <sub>i,t</sub>	عبارت است از سازمان حسابرسی که منظور کنترل اثرات ویژه حسابرسی های انجام شده توسط این حسابرس در مدل تصریح شده است (چنانچه حسابرسی شرکت i در دوره t توسط سازمان حسابرسی انجام شده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود).
Mfd <sub>i,t</sub>	عبارت است از موسسه حسابرسی مفید راهبر که منظور کنترل اثرات ویژه حسابرسی های انجام شده توسط این حسابرس در مدل تصریح شده است (چنانچه حسابرسی شرکت i در دوره t توسط موسسه حسابرسی مفید راهبر انجام شده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود).



متغیر	تعریف
IndustryDum	عبارت است از متغیر ساختگی نوع صنعت به منظور کنترل اثرات صنعت در مدل پژوهش .
YearDum	عبارت است از متغیر ساختگی سال به منظور کنترل اثرات سال در مدل پژوهش .

#### ۳-۴- معیارهای جایگزین برای اجتناب مالیاتی (متغیر

وابسته)

معیار های مورد استفاده به منظور اندازه گیری اجتناب مالیاتی در پژوهش حاضر، نرخ موثر مالیات جاری (CU-ETR)، نرخ موثر مالیات نقدی (CA-ETR)، نسبت مالیات پرداختی به جریان نقد عملیاتی (TPCF)، تفاوت دفتری مالیات (BTD)، تفاوت سود مشمول مالیات و سود حسابداری (NMO)، می باشد. نرخ موثر مالیات جاری (CU-ETR) از تقسیم هزینه مالیات دوره جاری بر سود قبل از مالیات بدست می آید. نرخ موثر مالیات نقدی (CA-ETR)، از تقسیم مالیات پرداخت شده در دوره جاری بر سود قبل از بهره و مالیات بدست می آید. نسبت مالیات پرداختی به جریان نقد عملیاتی (TPCF) از حاصل تقسیم مالیات پرداخت شده در دوره جاری بر جریان نقد عملیاتی بدست می آید. تفاوت دفتری مالیات (BTD) برابر است با تفاوت سود قبل از مالیات و درآمد مالیاتی، تقسیم بر ارزش دفتری جمع داراییهای شرکت در ابتدای دوره مالی. در این رابطه، درآمد مالیاتی برابر با حاصل تقسیم مالیات قطعی بر نرخ هزینه مالیات در سال جاری (۰.۲۵) می باشد، نسبت هزینه مالیات به جریان نقد عملیاتی (TOCF) نیز برابر است با حاصل تقسیم هزینه مالیات دوره جاری بر جریان نقد عملیاتی.

#### ۴-۴- حق انتخاب حسابرِس (متغیر آزمون)

متغیر آزمون در پژوهش حاضر حق انتخاب حسابرِس می باشد که به منظور عملیاتی نمودن آن از مفهوم کنترل استفاده شده است. شرکتهای فعال در TSE بر اساس مفهوم کنترل به ۴ دسته تقسیم می شوند. ۱- شرکتهای تحت کنترل سیاسی ۲- شرکتهای تحت کنترل دولتی ۳- شرکتهای تحت کنترل خصوصی (غیر سیاسی و غیر دولتی) ۴- شرکتهایی مستقل (شرکتهایی که تحت کنترل یک شرکت دیگر نیستند و واحد فرعی محسوب نمی شوند). به منظور طبقه بندی شرکتهای نمونه به چهار گروه فوق بر اساس مفهوم کنترل، به یادداشتهای توضیحی همراه صورتهای مالی توجه شده است، زیرا در یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی شرکتهای فعال در TSE، فرعی بودن یا نبودن این شرکتهای و در صورت فرعی بودن، نام واحد اصلی نهایی که تهیه کننده صورتهای مالی تلفیقی است، مشخص شده است، که می توان دولتی بودن، سیاسی

بودن و یا خصوصی بودن واحد اصلی نهایی را بدین ترتیب تشخیص داد و در نهایت شرکتهای را به ۴ گروه مذکور طبقه بندی نمود. پس از انجام طبقه بندی، شرکتهای گروه اول و شرکتهای گروه دوم به عنوان شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرِس (UN-ROACH) و شرکتهای گروه سوم و چهارم بعنوان شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرِس (ROACH) در نظر گرفته شده اند. در پایان مراحل فوق متغیر حق انتخاب حسابرِس، بصورت یک متغیر ساختگی در نظر گرفته شده است، به گونه ای که برای شرکتهای ROACH برابر با یک، و برای شرکتهای UN-ROACH برابر با صفر می باشد.

#### ۵-۴- متغیرهای کنترلی و دلایل انتخاب آنها

پژوهشهای قبلی انجام شده در حوزه اجتناب مالیاتی مانند چن و همکاران (۲۰۱۰)، وو (۲۰۱۳)، تایلور و ریچاردسون (۲۰۱۳)، آنور و همکاران (۲۰۱۴)، وغیره نشان داده اند که میزان اجتناب مالیاتی یک شرکت تحت تاثیر عوامل مختلفی همچون: اندازه شرکت، نسبت موجودیها، و غیره قرار می گیرد. به همین دلیل در پژوهش حاضر متغیرهای فوق در راستای برآورد مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) مورد کنترل قرار گرفته اند. علاوه بر موارد فوق در مدل اصلی پژوهش به پیروی از فاما و فرنچ (۱۹۹۷)، اثرات صنعت و سال نیز بصورت متغیرهای ساختگی مورد کنترل قرار گرفته اند.

#### ۶-۴- معیار جایگزین برای کیفیت حسابرِس

در پژوهش حاضر به منظور کنترل تاثیر کیفیت حسابرِس بر اجتناب مالیاتی، به پیروی از محمدرضایی و همکاران (۱۳۹۳)، کیفیت حسابرِس را با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری و بر اساس مدل کوتاری (۲۰۰۵) به شرح معادله (۴) عملیاتی می کنیم. مدل فوق به تفکیک صنایع مورد استفاده در پژوهش برآورد شده است.

معادله (۳):

$$ACC_{i,j,t} / TA_{i,j,t-1} = \alpha + \beta_1 1/TA_{i,j,t-1} + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC)_{i,j,t} / TA_{i,j,t-1} + \beta_3 PPE_{i,j,t} / TA_{i,j,t-1} + \beta_4 ROA_{i,j,t-1} + \epsilon$$

در این رابطه  $ACC_{i,j,t}$  معرف اقلام تعهدی شرکت  $i$  در دوره  $t$  و در صنعت  $j$  می باشد (تفاوت میان سود خالص و جریان نقد عملیاتی در دوره  $t$ ).  $\Delta REV_{i,j,t}$  معرف تغییرات دوره

تخصص مالیاتی در ارتباط با شرکت  $i$  در دوره  $t$ ، برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود.

#### ۵- یافته های تجربی پژوهش

#### ۵-۱- آمار توصیفی و تحلیل همبستگی در ارتباط با متغیرهای پژوهش

پنل A از جدول ۴ آماره های توصیفی مرتبط با متغیرهای پیوسته پژوهش را در سطح کل نمونه، و به تفکیک شرکتهای Roach و Unroach نشان می دهد. مقدار میانگین (میانگین) در ارتباط با معیارهای جایگزین متغیر اجتناب مالیاتی یعنی Cu-etr، Tpcf، BTd، TOCF به ترتیب برابر با ۰،۱۱، ۰،۱۲، ۰،۱۴، ۰،۱۵، ۰،۰۹، ۰،۰۶، ۰،۰۴، ۰،۱۶، ۰،۱۷) می باشد. مقادیر فوق با پژوهشهای قبلی انجام شده بر روی TSE و همچنین یا مطالعات انجام شده بر روی سایر بازارهای سرمایه جهان مطابقت دارد.

پنل B از جدول ۴ ضرایب همبستگی دو طرفه پیرسون را در ارتباط با برخی از متغیرهای مورد استفاده در تحلیل های تجربی گزارش می کند (ضرایب همبستگی سایر متغیرها به دلیل وجود محدودیت در اندازه جدول ارائه نشده است). علاوه بر آمار توصیفی و ماتریس همبستگی پیرسون، در این مرحله از پژوهش، آزمون T مستقل در ارتباط با مقایسه متغیرهای پیوسته پژوهش، و آزمون U من ویتنی در ارتباط با مقایسه متغیرهای دو ارزشی پژوهش، در بین شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرS (Roach) و شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرS (UnRoach) انجام شده. یافته های حاصل از آزمون های فوق نشان می دهد که تفاوت میانگین ۵ معیار اجتناب مالیاتی، در بین شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرS و شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرS در سطح ۰،۰۱ معنی دار است (یافته های حاصل از آزمون های U و T به دلیل وجود محدودیت در اندازه جداول ارائه نشده است).

ای درآمد شرکت  $i$  در دوره  $t$  و در صنعت  $z$  می باشد (تفاوت درآمد شرکت  $i$  در دوره  $t$  و دوره  $t-1$ ).  $\Delta REC_{i,z,t}$  معرف تغییرات دوره ای حسابهای و اسناد دریافتی شرکت  $i$  در دوره  $t$  و در صنعت  $z$  می باشد (تفاوت میان حسابها و اسناد دریافتی شرکت  $i$  در دوره  $t$  و دوره  $t-1$ ).  $PPE_{i,z,t}$  معرف ارزش دفتری اموال و ماشین آلات و تجهیزات شرکت  $i$  در دوره  $t$  و در صنعت  $z$  می باشد.  $ROA_{ij,t-1}$  معرف نرخ بازده دارایی شرکت  $i$  در دوره  $t$  و در صنعت  $z$  می باشد (نسبت سود عملیاتی شرکت در دوره  $t$  به ارزش دفتری داراییهای شرکت در دوره  $t-1$ ).  $TA_{ij,t-1}$  معرف ارزش دفتری داراییهای شرکت  $i$  در دوره  $t-1$  و در صنعت  $z$  می باشد. در این رابطه متغیرها بر اساس ارزش دفتری داراییها در ابتدای دوره استاندارد شده اند که این اقدام موجب ایجاد تورش در علامت پارامترها (ضرایب) می گردد. به منظور پیشگیری از تورش فوق متغیر  $1/TA_{ij,t-1}$  به مدل کوتاری اضافه شده است. در این رابطه  $\beta$  معرف اقلام تعهدی اختیاری می باشد که معیاری معکوس برای کیفیت حسابرسی محسوب می گردد.

#### ۴-۷- معیار جایگزین برای تخصص مالیاتی حسابرS

به منظور کنترل تاثیر تخصص مالیاتی حسابرS بر اجتناب مالیاتی، از رویکرد سهم بازار میهو و ویلکینز (۲۰۰۳)، استفاده شده است. در این رویکرد به منظور تعیین اینکه آیا یک حسابرS، متخصص مالیاتی است یا خیر به سه شرط توجه می شود. شرط (i): یک حسابرS زمانی متخصص مالی و مالیاتی است، که دارای اولین سهم بازار در یک صنعت خاص (صنعت  $z$ ) باشد. یعنی نسبت درآمد آن به کل درآمد حسابرسان فعال در آن صنعت در یک دوره مشخص (دوره  $t$ )، بیشتر از درآمد سایر حسابرسان در همان صنعت و همان دوره باشد. شرط (ii): پس از احراز شرط (i)، یک حسابرS زمانی متخصص مالی و مالیاتی است که درآمد آن، حداقل ده درصد از درآمد دومین حسابرS (که دارای دومین سهم بازار است)، در دوره  $t$  و در صنعت  $z$  بیشتر باشد. شرط (iii): پس از احراز شرط های (i) و (ii)، یک حسابرS زمانی متخصص مالی و مالیاتی است که، درآمد دومین حسابرS (به لحاظ داشتن سهم بازار)، حداقل ده درصد از درآمد سومین حسابرS (به لحاظ داشتن سهم بازار)، در دوره  $t$  و در صنعت  $z$  بیشتر باشد. پس از احراز شرط های فوق، به منظور عملیاتی نمودن متغیر تخصص مالیاتی حسابرS، از متغیر مصنوعی با مقدار صفر و یک استفاده می شود. چنانچه حسابرS شرکت  $i$  که در صنعت  $z$  فعالیت می کند، در دوره  $t$ ، همان حسابرS متخصص مالی و مالیاتی منتخب در صنعت  $z$  باشد، در اینصورت متغیر

جدول ۴: آمار توصیفی برای متغیرهای تحقیق

Full Sample (Obs=1730)					
Mean	Median	STD	Min	Max	Variable
0,11	0,12	0,09	0,00	0,37	CU-ETR <sub>i,t</sub>
0,14	0,10	0,40	0,01	0,49	CA-ETR <sub>i,t</sub>
0,15	0,09	1,56	0,00	0,57	TPCF <sub>i,t</sub>
0,06	0,04	0,11	0,79	0,58	BTD <sub>i,t</sub>
0,17	0,16	0,69	0,02	0,45	TOCF <sub>i,t</sub>
13,58	13,45	1,43	9,82	19,11	SIZE <sub>i,t</sub>
0,46	0,47	0,20	0,00	0,94	Invrec <sub>i,t</sub>
0,04	0,03	0,04	0,00	0,46	CASH <sub>i,t</sub>
1,40	1,22	0,93	0,18	13,15	Liq <sub>i,t</sub>
0,26	0,22	0,18	0,01	0,89	Capin <sub>i,t</sub>
0,09	0,05	0,12	0,00	0,88	Intang <sub>i,t</sub>
0,61	0,62	0,20	0,09	2,08	LEV <sub>i,t</sub>
2,02	1,85	7,28	-154,3	121,51	MTB <sub>i,t</sub>
0,06	0,05	0,04	0,00	0,64	Ope <sub>i,t</sub>
0,17	0,16	0,56	-21,58	0,97	OI <sub>i,t</sub>
0,15	0,13	0,13	-0,64	0,67	ROA <sub>i,t</sub>
0,20	0,15	0,50	-1	9,47	SG <sub>i,t</sub>
0,67	0,60	0,19	0	1	Board <sub>i,t</sub>
70,35	80,49	27,95	0	99,45	Inst-Own <sub>i,t</sub>
0,06	0,00	0,17	0	0,94	Pol-Own <sub>i,t</sub>
0,47	0,55	0,33	0	1	Gov-Own <sub>i,t</sub>
0,09	0,07	0,09	0,00	1,68	DA <sub>i,t</sub>
76,55	76,00	25,94	18	172	Delay <sub>i,t</sub>
34,99	37,00	13,01	4	64	Age <sub>i,t</sub>

پنل B: ماتریس همبستگی پیرسون برای متغیرهای مورد استفاده در تحلیل های تجربی

Variable	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
1. ROACH	1									
2. CUETR	0,18**	1								
3. CAETR	0,20*	0,74*	1							
4. TPCF	0,15**	0,67*	0,70*	1						
5. BTD	0,16**	0,46*	0,62*	0,71*	1					
6. TOCF	0,13**	0,65*	0,64*	0,45*	0,55*	1				
7. SIZE	0,05**	0,07**	0,03**	0,01**	0,10**	0,06**	1			
8. INVREC	-0,08	0,10**	0,04**	0,01**	0,15**	0,03**	0,09**	1		
9. CASH	0,09	-0,05**	-0,01**	-0,00**	-0,10**	-0,17**	0,06**	-0,04	1	
10. LIQ	0,01	-0,01**	-0,02**	-0,01**	-0,36**	-0,16**	0,05**	0,01**	0,02**	1

۰,۰۶ (۰,۰۸)، ۰,۰۷ (۰,۱۲) می باشد. یافته های فوق شواهدی را در راستای تایید فرضیه پژوهش فراهم می نماید و نشان می دهد که اجتناب مالیاتی شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرِس، بطور معناداری بیشتر از اجتناب مالیاتی شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرِس می باشد. بطور ویژه یافته های حاصل از برآورد مدل پژوهش پس از کنترل عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی، نشان می دهد که داشتن حق انتخاب حسابرِس توسط شرکتهای فعال در tse، موجب افزایش اجتناب مالیاتی در کشور می شود. یافته های فوق با نظریه انتخاب گلاسر مطابق می باشد زیرا طبق نظریه گلاسر مدیران

## ۵-۲- تاثیر حق انتخاب حسابرِس بر معیارهای اجتناب مالیاتی

در این جدول متغیر وابسته اجتناب مالیاتی است که با استفاده از معیارهای جایگزین CUETR، CAETR، TPCF، TOCF، BTD عملیاتی شده است. متغیر مستقل جدول نیز حق انتخاب حسابرِس (Roach) می باشد. همانطور که ملاحظه می گردد متغیر Roach بطور مثبت و معنی داری با معیارهای اجتناب مالیاتی شامل: CAETR، TPCF، BTD، TOCF مرتبط می باشد و ضریب (آماره t) در ارتباط با آن به ترتیب برابر با ۰,۰۹ (۰,۰۸)، ۰,۰۵ (۰,۰۶۸)، ۰,۱۲ (۰,۱۰)،

همکاران، ۱۳۹۲؛ خواجوی و کیامهر، ۱۳۹۲ در زمینه مسئله انتخاب مجدد مطابقت دارد و نشان می دهد که در شرایطی مدیران شرکتها در زمینه انتخاب حسابرس از حق انتخاب برخوردار هستند، حسابرسان کوشش می کنند تا در راستای تثبیت جایگاه خود و افزایش دوره تصدی خود در زمینه اجتناب مالیاتی با مدیران همکاری نمایند.

در شرایطی که از حق انتخاب برخوردار هستند به منافع خود توجه می کنند و از آنجا که مدیران مالیات گریز هستند به همین دلیل کوشش می کنند انتخاب های خود را به نحوی انجام دهند که مالیات گریزی آنها محدود نشود. یافته های پژوهش حاضر همچنین با یافته های بدست آمده از پژوهشهای میدو و شاکلفرد، ۲۰۰۷؛ هویان و نوگا، ۲۰۱۰؛ دیهالیوال و همکاران، ۲۰۰۴؛ گوایر و همکاران، ۲۰۱۲؛ خانی و

جدول ۵: تاثیر حق انتخاب حسابرس بر معیارهای اجتناب مالیاتی TOCF, BTDF, TPCF, CA-ETR, CU-ETR

variable	Pre	CU-ETR		CA-ETR		TPCF		BTD		TOCF	
		Coef	P-value	Coef	P-value	Coef	P-value	Coef	P-value	Coef	P-value
Intercept		0,10	0,04	0,10	0,01	0,42	0,08	0,01	0,00	1,49	0,08
ROACH	+	<b>0,09</b>	<b>0,08</b>	<b>0,05</b>	0,01	<b>0,12</b>	<b>0,04</b>	<b>0,06</b>	0,01	<b>0,07</b>	0,04
SIZE	+	0,01	0,00	0,01	0,00	0,02	0,03	0,01	0,04	0,09	0,00
INVREC	?	0,02	0,01	0,06	0,06	0,30	0,01	0,03	0,00	0,76	0,06
CASH	?	-0,01	0,04	-0,24	0,01	-0,15	0,00	-0,04	0,02	-1,82	0,01
LIQ	?	-0,01	0,00	-0,01	0,07	-0,06	0,00	-0,00	0,01	-0,03	0,07
CAPINT	+	0,02	0,02	0,04	0,00	0,09	0,01	0,06	0,00	0,61	0,01
INTANG	+	0,01	0,02	0,08	0,01	0,23	0,00	0,04	0,06	0,64	0,04
LEV	+	0,02	0,01	0,06	0,06	0,42	0,06	0,16	0,02	0,11	0,00
MTB	?	0,00	0,00	0,00	0,04	0,00	0,01	0,00	0,06	0,00	0,06
OPE	+	0,07	0,06	0,10	0,04	0,37	0,07	0,04	0,02	0,48	0,06
OI	-	-0,03	0,02	-0,00	0,03	-0,17	0,01	-0,07	0,03	-0,86	0,01
ROA	-	-0,24	0,03	-0,25	0,06	-0,40	0,00	-0,22	0,00	-0,39	0,07
SG	?	-0,00	0,00	-0,02	0,08	-0,05	0,09	-0,01	0,06	-0,23	0,09
LOSS	-	-0,08	0,01	-0,06	0,04	-0,13	0,01	-0,07	0,02	-0,03	0,09
TAXSER	+	0,06	0,00	0,00	0,00	0,06	0,07	0,04	0,09	0,03	0,01
SPTAX	+	0,02	0,01	0,05	0,00	0,12	0,02	0,00	0,01	0,19	0,05
BOARD	?	-0,02	0,01	-0,17	0,00	-0,02	0,08	-0,00	0,07	-0,34	0,11
INSTOWN	?	0,00	0,00	0,00	0,06	0,00	0,05	0,00	0,02	0,00	0,10
POLOWN	?	0,01	0,01	0,01	0,03	0,03	0,05	0,00	0,08	0,09	0,05
GOVOWN	?	0,00	0,01	0,04	0,03	0,03	0,04	0,00	0,04	0,17	0,02
AUDIT	-	-0,01	0,00	-0,01	0,02	-0,05	0,00	-0,01	0,00	-0,08	0,03
DA	+	0,04	0,02	0,07	0,01	0,13	0,01	0,11	0,02	0,19	0,02
AUDP	+	0,01	0,00	0,01	0,06	0,02	0,07	0,00	0,04	0,02	0,08
AUDCH	-	-0,00	0,01	-0,03	0,03	-0,02	0,09	-0,01	0,01	-0,03	0,05
DELY	+	0,01	0,01	0,01	0,04	0,01	0,05	0,01	0,00	0,02	0,00
AGE	?	0,01	0,00	0,01	0,05	0,00	0,06	0,00	0,01	0,01	0,01
SUB	?	0,01	0,00	0,01	0,02	0,06	0,03	0,01	0,09	0,00	0,00
AUO	?	-0,02	0,01	-0,06	0,06	-0,31	0,04	-0,01	0,01	-0,20	0,00
MFD	?	-0,06	0,04	-0,03	0,00	-0,36	0,06	-0,04	0,03	-0,12	0,00
IND-Dummy		yes		yes		yes		yes		yes	
Year-Dummy		yes		yes		yes		yes		yes	
Number of Obs		1730		1730		1730		1730		1730	
F Value		20,84*		19,83*		17,44*		22,62*		21,82*	
Adj R		0,42		0,34		0,29		0,53		0,44	

جدول ۵ نشان دهنده برآورد معادله ۲ برای بررسی تاثیر حق انتخاب حسابرس بر معیارهای اجتناب مالیاتی در ارتباط ۱۷۳۰ مشاهده (سال-شرکت) می باشد که ۰,۷۵ آن مربوط به شرکتهای Roach و ۰,۲۵ آن مربوط به شرکتهای unroach است. تمام متغیرها در جدول ۲ تعریف شده اند.

## ۶- آزمون‌های پشتیبان اضافی به منظور تحلیل حساسیت یافته‌ها

### ۱-۶- بکارگیری روش دو مرحله‌ای همکن برای مشکل درون‌زایی متغیر آزمون

تبیین حق انتخاب حسابرس بر اساس مفهوم کنترل موجب می‌شود تا متغیر حق انتخاب حسابرس یک متغیر مستقل درون‌زا باشد و تورش ناشی از خودگزینشی<sup>۱</sup> یافته‌های پژوهش حاضر را مورد چالش قرار دهند. به منظور مقابله با تورش ناشی از خودگزینشی، از روش دو مرحله‌ای همکن (۱۹۷۹) استفاده شده است. در این روش ابتدا یک مدل رگرسیون باینری-پروبیبت (مدل انتخاب) مورد برآورد قرار می‌گیرد. در مدل مورد نظر متغیر وابسته، حق انتخاب حسابرس (متغیر آزمون پژوهش)، و متغیرهای توضیحی، متغیرهای کنترلی تصریح شده در مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) هستند. پس از برآورد مدل فوق، نسبت معکوس میلز (Imills) بر اساس ضرایب مدل انتخاب محاسبه شدند، و از آن بعنوان یک متغیر کنترلی در مدل اصلی پژوهش استفاده شده است. در مرحله دوم مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) با تصریح نسبت معکوس میلز مورد برآورد قرار گرفته است.

مدل انتخاب که نسبت معکوس میلز بر اساس آن ایجاد شده است به شرح معادله ۴ می‌باشد.

معادله (۴)

$$ROACH_{i,t} = a + \beta_1 Size_{i,t} + \beta_2 Invrec_{i,t} + \beta_3 CASH_{i,t} + \beta_4 Liq_{i,t} + \beta_5 Capint_{i,t} + \beta_6 Intang_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 MTB_{i,t} + \beta_9 Ope_{i,t} + \beta_{10} OI_{i,t} + \beta_{11} ROA_{i,t} + \beta_{12} SG_{i,t} + \beta_{13} Loss_{i,t} + \beta_{14} Taxser_{i,t} + \beta_{15} Sptax_{i,t} + \beta_{16} Board_{i,t} + \beta_{17} Inst-Own_{i,t} + \beta_{18} Pol-Own_{i,t} + \beta_{19} Gov-Own_{i,t} + \beta_{20} Audit_{i,t} + \beta_{21} DA_{i,t} + \beta_{22} AudP_{i,t} + \beta_{23} Audch_{i,t} + \beta_{24} Dely_{i,t} + \beta_{25} Age_{i,t} + \beta_{26} Sub_{i,t} + \beta_{26} Aou_{i,t} + \beta_{26} Mfd_{i,t} + \Sigma IndustryDum + \Sigma YearDum + \epsilon$$

یافته‌های حاصل از برآورد مدل اصلی پژوهش، همراه با کنترل نسبت معکوس میلز (Imills) نشان می‌دهد که ضریب نسبت معکوس میلز در سطوح ۰,۰۱ و ۰,۰۵ و ۰,۱۰ معنی‌دار نیست. این یافته‌ها از عدم انتخاب تصادفی حق انتخاب حسابرس و عدم درون‌زایی این متغیر پشتیبانی می‌کنند و نشان می‌دهند که یافته‌های حاصل از برآورد مدل پژوهش که در جدول ۵ ارائه شده است قابل اتکاء می‌باشد (یافته‌های حاصل از برآورد مجدد مدل با استفاده از کنترل نسبت معکوس میلز به دلیل محدودیت در حجم مقاله ارائه نشده‌اند).

## ۶-۲- بکارگیری روش همسان‌سازی بر اساس نمرات گرایش (PSM)

یکی از تحلیل‌های اضافی مورد استفاده در پژوهش حاضر استفاده از رویکرد PSM می‌باشد. بطور ویژه ما شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس را بعنوان گروه تجربه مدنظر قرار دادیم، سپس با استفاده از رویکرد PSM یک گروه کنترل متشکل از شرکتهایی که از نظر ویژگی‌های شرکتی دارای بیشترین شباهت به شرکتهای گروه تجربه هستند (اما فاقد حق انتخاب حسابرس هستند) را ایجاد نمودیم. سپس به منظور بررسی تاثیر حق انتخاب حسابرس بر معیارهای اجتناب مالیاتی، مدل اصلی پژوهش (معادله ۲) را بر روی نمونه جدید (شامل گروه تجربه و گروه کنترل جدید) مورد برآورد مجدد قرار دادیم. یافته‌های حاصل از این تحلیل نشان می‌دهند که متغیر حق انتخاب حسابرس بطور مثبت و معناداری با معیارهای اجتناب مالیاتی در ارتباط می‌باشد. این یافته‌ها از یافته‌های اصلی پژوهش پشتیبانی می‌کنند (یافته‌های بیشتر و جداول مرتبط با بکارگیری رویکرد PSM به دلیل محدودیت در حجم مقاله ارائه نشده‌اند).

### ۶-۳- تحلیل درون نمونه (Sub-Sample)

تحلیل اضافی دیگر که در پژوهش حاضر انجام شده است، تحلیل زیر نمونه می‌باشد. در این تحلیل به منظور خنثی نمودن تاثیر حسابرسی‌های انجام شده توسط سازمان حسابرسی و موسسه حسابرسی مفید راهبر، مدل اصلی پژوهش صرفاً بر روی مشاهداتی که توسط سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبر مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند، برآورد شده است. یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد که متغیر حق انتخاب حسابرسی دارای اثری مثبت و معنادار بر معیارهای اجتناب است. یعنی از میان صاحبکاران سازمان حسابرسی و موسسه حسابرسی مفید راهبر، معیارهای اجتناب مالیاتی رای صاحبکارانی که از حق انتخاب حسابرس برخوردار بوده‌اند، بیشتر از سایر صاحبکاران می‌باشد.

## ۷- نتیجه‌گیری و بحث

در پژوهش حاضر به بررسی تجربی نقش حق انتخاب حسابرس در اجتناب مالیاتی در ارتباط با نمونه‌ای متشکل از ۱۷۳ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران (TSE) در بازه زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۶ (۱۷۳۰ سال-شرکت) پرداخته شده است. پرسش پژوهش حاضر این است که: آیا داشتن حق انتخاب حسابرس موجب ترویج اجتناب مالیاتی شرکتهای

حسابرسی و دوره تصدی حسابرس قرار می گیرد. گلیسون و میلز (۲۰۱۱)، گوایر و همکاران (۲۰۱۲)، هویان و نوگا (۲۰۱۲)، در پژوهشهای خود به این نتیجه رسیدند که همکاری حسابرس مستقل با مدیریت صاحبکار، موجب ترویج اجتناب مالیاتی می گردد. همانطور که ملاحظه می گردد پژوهشهای قبلی بر جنبه های کیفی و تخصصی خدمات حسابرسی نظیر کیفیت حسابرسی، تخصص مالیاتی حسابرس، دوره تصدی حسابرس و غیره تاکید کرده اند و به نقش حق انتخاب حسابرس در اجتناب مالیاتی توجهی نداشته اند.

به یافته های پژوهش حاضر دارای کاربردهای مهمی در زمینه **قانون گذاری** می باشد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که بین اجتناب مالی شرکت های گروه ROACH و شرکت های گروه UN-ROACH، تفاوت آشکاری وجود دارد، که این تفاوت ناشی از حق انتخاب حسابرس می باشد. ما به این نتیجه رسیدیم که داشتن حق انتخاب حسابرس موجب ترویج اجتناب مالیاتی در کشور می شود. بنابراین یافته های پژوهش حاضر می تواند به سازمان امور مالیاتی کشور در حوزه قانون گذاری، به منظور مقابله با اجتناب مالیاتی شرکت های گروه ROACH، کمک کند. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که گزارشهای مالیاتی تهیه شده توسط حسابرسان شرکت های ROACH برای سازمان امور مالیاتی کشور، از قابلیت اتکای چندانی برخوردار نیست. بطور ویژه یافته های پژوهش حاضر به سازمان امور مالیاتی کشور هشدار می دهد که برنامه جامعی را به منظور رسیدگی به حسابهای شرکت های ROACH تدوین نماید و بدین ترتیب از اجتناب مالیاتی و عدم تحقق درآمد مالیاتی دولت پیشگیری نمایند. هرچند که تدوین قوانین در این حوزه، نیازمند کسب شواهد تجربی بیشتری می باشد. اگرچه نتایج پژوهش حاضر محدود به شرکت های ایرانی است؛ با این وجود نتایج آن می تواند بصورت تعدیل شده توسط سایر کشورها نیز در زمینه مقابله با اجتناب مالیاتی مورد استفاده قرار گیرد.

#### فهرست منابع

- \* خانی، عبدالله (۱۳۹۳)، اجتناب از پرداخت مالیات و اندازه گیری آن، فصلنامه پژوهش حسابداری، شماره ۱۵.
- \* خواجوی، شکراله و محمد کیامهر (۱۳۹۴)، بررسی رابطه میان کیفیت حسابرسی با اجتناب مالیاتی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۶.
- \* حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۷)، اهمیت عوامل تمایل به پرداخت مالیات از دیدگاه مودیان مالیاتی، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۲۹.

صاحبکار می شود یا خیر. به لحاظ نظری پرسش پژوهش حاضر با نظریه انتخاب گلاسر (۱۹۹۸) در ارتباط می باشد. به منظور بررسی تجربی تاثیر حق انتخاب حسابرس بر اجتناب مالیاتی، از رگرسیون OLS استفاده شد. یافته های حاصل از برآورد رگرسیون OLS نشان می دهد که داشتن حق انتخاب حسابرس توسط شرکتهای فعال در TSE موجب افزایش اجتناب مالیاتی این شرکت ها می شود. به عبارت دیگر یافته های پژوهش نشان می دهد که اجتناب مالیاتی شرکتهای دارای حق انتخاب حسابرس بیشتر از اجتناب مالیاتی شرکتهای فاقد حق انتخاب حسابرس می باشد. به منظور افزایش اعتبار یافته های پژوهش و کاهش تاثیر تفسیرهای جایگزین (رقیب) ما اقدامات مختلفی را انجام دادیم. بعنوان نمونه به منظور کاهش نگرانی های مرتبط با مشکل درون زایی متغیر آزمون (حق انتخاب حسابرس)، از روش دو مرحله ای هکمن (۱۹۷۹) و رویکرد PSM استفاده کردیم. به منظور کاهش چالش های شیوه اندازه گیری متغیر اجتناب مالیاتی از ۵ معیار جایگزین شامل: TPCF، CAETR، CUETR، TOCF، BTD به منظور اندازه گیری اجتناب مالیاتی استفاده نمودیم. و در نهایت ما کوشش نمودیم تمام عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی (شامل اثرات ثابت سال و صنعت) را مورد کنترل قرار دهیم تا بتوانیم بطور ویژه تاثیر حق انتخاب حسابرس را بر اجتناب مالیاتی تعیین کنیم.

یافته های پژوهش حاضر دارای دستاوردهای مختلفی می باشد. ما در این پژوهش برای اولین بار به مقوله حق انتخاب حسابرس توجه نموده و بر اساس نظریه انتخاب گلاسر (۱۹۹۸) و مفهوم کنترل، حق انتخاب حسابرس را بعنوان یک متغیر تیمار، عملیاتی کرده ایم و سپس تاثیر آنرا بر میزان اجتناب مالیاتی شرکتهای فعال در TSE مورد بررسی قرار داده ایم. بنابراین پژوهش حاضر نخستین شواهد را پیرامون مقوله حق انتخاب حسابرس فراهم نموده است و برای نخستین بار شواهدی را پیرامون نقش حق انتخاب حسابرس در اجتناب مالیاتی شرکتهای ارائه کرده است.

یافته های پژوهش حاضر با یافته های حاصل از پژوهشهای قبلی هم راستا می باشد با این تفاوت که در پژوهش حاضر برای نخستین بار به موضوع حق انتخاب حسابرس و تاثیر آن بر اجتناب مالیاتی توجه شده است. بعنوان نمونه خانی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تخصص مالیاتی حسابرسان مستقل موجب ترویج اجتناب مالیاتی شرکتهای صاحبکار می گردد. خواجوی و کیامهر (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اجتناب مالیاتی شرکتهای صاحبکار تحت تاثیر کیفیت

- \* Desai, M. A., A. Dyck, and L. Zingales (2004) "Theft and Taxation" NBER Working Paper #W10978.
- \* Desai, M. A. and J. R. Hines Jr. (2002) "Expectations and Expatriations: Tracing the Causes and Consequences of Corporate Inversions" National Tax Journal, 55, 409-441.
- \* Desai, M. A., and D. Dharmapala, (2009), Corporate Tax Avoidance and Firm Value", The Review of Economics and Statistics, PP.
- \* Chen, K, Chu, C, (2005), Internal Control vs. External Manipulation: A Model of Corporate Income Tax Evasion", RAND Journal of Economics.
- \* Crocker, K, Slemord, J., (2005), Corporate Tax Evasion with Agency Costs. Journal of public Economics, PP. 89.
- \* Kim, J, Y. Li, and L. Zhang (June 2011), "Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis", Journal of Financial Economics, Vol. 100, Issue. 3, PP. 639-662.
- \* Crocker, K, Slemord, J., (2005), Corporate Tax Evasion with Agency Costs. Journal of public Economics, PP. 89.
- \* Gupta, S., and Newberry, K. (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rate: Evidence from longitudinal data, Journal of Accounting and Public Policy, Vol. 16, No 1, pp. 1-39.
- \* Hairul, AA, Salihi, I. (2014), Corporate ownership, governance and tax avoidance: An interactive effects, International Conference on Accounting Studies.
- \* Hundal, S. (2011). Why tax avoidance is among the biggest issues of our generation. Liberal Conspiracy. Retrieved from <http://www.liberalconspiracy.org>.
- \* Uadiale, O. M., Fagbemi, T. O. & Ogunleye, J. O. (2010). An empirical study of the relationship between culture and personal income tax evasion in Nigeria. European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences, 20, 116-126.
- \* Erard, B. & Feinstein, J. (1998). Tax compliance. Journal of Economic Literature, 36, 818-860.
- \* Faccio, M., Masulis, R. & McConnell, J. J. (2006). Political connections and corporate bailouts. Journal of Finance, 61, 2597-2635.
- \* Shackelford, D., Shevlin, T., (2001), "Empirical tax research in accounting", Journal of Accounting and Economics, Vol. 31, PP. 321-387.
- \* Richardson, G., R. Lanis (2007). Determinants of the variability in corporate effective tax rates and tax reform: Evidence from Australia, Journal of Accounting and Public Policy, Vol. 26, No 6, pp. 689-704.
- \* Rego, S. O. 2003. Tax-avoidance activities of U.S. multinational corporations Contemporary Accounting Research 20 (4): 805-833.
- \* Fernandese N. (2007). "EC: Board compensation and firm performance: The role of "independent" board members". Journal of multinational financial management.
- \* رضایی رادسکینه (۱۳۹۶). بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر اجتناب مالیاتی شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- \* بکشلو اکرم (۱۳۹۷). بررسی تاثیر چرخه عمر شرکت بر اجتناب مالیاتی شرکتهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- \* مشایخی، بیبا و صبری علی پناه (۱۳۹۴). تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه میان اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۷، شماره ۲۵.
- \* مهرانی، ساسان و سید جلال سیدی (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۲۴.
- \* خادمی پور، احمد و یونس بزرایی (۱۳۹۴). تاثیر رقابت بازار محصول بر اجتناب از پرداخت مالیات، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۷.
- \* پورحیدری، امید و میثم امینی نیا (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه سهام عادی، فصلنامه پژوهشی برنامه و بودجه، سال نوزدهم، شماره ۳.
- \* علم باباجانی، جعفر و مجید عبدی (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی با سود مشمول مالیات شرکتهای پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳.
- \* Annuar, i. (2014), Corporate ownership, governance and tax avoidance: An interactive effects, International Conference on Accounting Studies 2014, ICAS 2014, 18-19 August 2014, Kuala Lumpur, Malaysia.
- \* Dyreng, s, Hanlon, M, Maydew, E, (2008), "Long run Corporate Tax avoidance", The Accounting Review, PP. 83.
- \* Dhaliwal, D. Lee, S. H & Pinucs, M. (2009). Book-Tax Differences. Uncertainty about Information Quality and Cost of Capital. Working paper. Retrieved from <http://ssrn.com/abstract=1127956>.
- \* Hanlon, M, Heitzman, SH, (2010), "A Review of Tax Research", Journal of Accounting and Economics, PP. 5.
- \* Desai, M. A. (2003) "The Divergence between Book and Tax Income" in J. M. Poterba (ed.) Tax Policy and the Economy, Vol. 17, MIT Press: Cambridge, MA, 169-206.
- \* Desai, M. A. and D. Dharmapala (2005) "Corporate Tax Avoidance and High Powered Incentives" Journal of Financial Economics, forthcoming.

- \* Mills, L., K. Newberry, and G. Novack (2003), 'How well do Compustat NOL data identify firms with U.S. tax return loss carryovers?'. *Journal of the American Taxation Association* 25, 1{17.
- \* Mills, L., K. Newberry, and W. Trautman (2002), 'Trends in book-tax income and balance sheet differences'. *Tax Notes* 96(Special Report), 1109{1124.
- \* Robinson, J., S. Sikes, and C. Weaver (2010), 'Performance measurement of corporate tax departments'. *The Accounting Review* 85(3), 1035{1064.
- \* Robinson, L. (2010), 'Do firms incur costs to avoid reducing pre-tax earnings? Evidence from the accounting for low-income housing tax credit'. *The Accounting Review* 85(2), 637{669.
- \* Sullivan, M. (2002), 'Stock options take \$50 billion bite out of corporate taxes'. *Tax Notes* pp. 1396{1401.
- \* Wilson, R. (2009), 'An examination of corporate tax shelter participants'. *The Accounting Review* 83(4), 969{999.
- \* Fama, E. F. and K. R. French (1998) "Taxes, Financing Decisions and Firm Value" *Journal of Finance*, 53, 819-843.
- \* Kothari, S., Leone, A. & Wasley, C., 2005. Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 163-197.

## یادداشت‌ها

(A) : در پژوهش حاضر شرکتهای سیاسی و دولتی که حق انتخاب حسابرس برخوردار نیستند به عنوان شرکتهای UN-ROACH مد نظر قرار گرفته اند. (B) : شرکتهای غیر دولتی و غیر سیاسی که در دوره بعد از خصوصی سازی بازار حسابرسی از حق انتخاب حسابرس برخوردار شده اند، بعنوان شرکتهای ROACH در پژوهش حاضر مد نظر قرار گرفته اند.

2 Self Selection Bias